

چگونگی تأثیر هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی از منظر فلسفه اسلامی بر روحانیت فضای داخلی مسجد*

حسین کریم‌زاده حلیمی^۱، محمدرضا چناقلو^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

۲. استاد دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه صنعتی سهند، تبریز، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۲/۲)

چکیده

کیفیت فضای داخلی هر بنایی باید پاسخگوی نوع زندگی باشد که به آن واسطه، کالبد آن شکل گرفته است. مساجد نیز به عنوان یکی از بناهای شاخص معماری اسلامی از این اصل مستثنی نیستند. بنابراین در طول تاریخ نوع زندگی که در داخل مساجد جریان داشته (عبادت کردن) تغییری نکرده است و از طرفی مقوله زیبایی به عنوان یکی از مفاهیم مهم در معماری اسلامی مطرح بوده و نمود داشته است. با این مقدمه، «چگونگی ارتباط بین مفهوم زیبایی و کیفیت فضای داخلی مسجد» از مساله‌های اصلی پژوهش حاضر بوده و در طول این تحقیق سعی شده به بررسی و ارزیابی چگونگی تأثیر هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی از منظر فلسفه اسلامی بر کیفیت فضای داخلی مسجد پرداخته شود. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش اینگونه تدوین شده است که «هماهنگی با تأثیرگذاری بر تک‌تک و همچنین با تأثیرگذاری بر تعامل بین مولفه‌های عناصر فضا، بر روحانیت فضای داخلی مسجد اثربخش است». از آنجا که مساجد تاریخی به عنوان بارزترین نمونه تجلی هنر و معماری اسلامی مطرح می‌شوند؛ فرضیه حاضر نیز روی مسجد شیخ لطف‌الله مورد آزمون قرار گرفته است. بدین منظور از ۲۰ نفر از متخصصین حوزه معماری و معماری اسلامی در شهر تبریز که از مسجد شیخ لطف‌الله بازدید کرده‌اند کمک گرفته شده و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه و برای تحلیل و بررسی آنها از نرم افزار spss استفاده شده است. بعد از تحلیل یافته‌های پژوهش، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که اولاً بین هماهنگی و روحانیت فضای داخلی مسجد ارتباطی معنی‌دار وجود دارد. ثانیاً هماهنگی نه تنها در تک‌تک مولفه‌های سازنده فضای داخلی مسجد بر روحانیت آن اثر می‌گذارد بلکه هماهنگی در تعامل بین مولفه‌ها نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. این بدان معنی است که تک‌تک مؤلفه‌ها، کالبد بنا را بوجود نمی‌آورند بلکه ارتباط بین مؤلفه‌ها و تأثیر و تأثرشان بر هم است که کالبد بنا و به طبع آن کیفیت فضایی آن کالبد را می‌سازند.

واژگان کلیدی

هماهنگی، زیبایی، مسجد، فضای داخلی، روحانیت فضا.

* این مقاله برگرفته شده از پایان نامه دکتری حسین کریم‌زاده با عنوان «ارزیابی نحوه تأثیرگذاری فناوری بر کیفیت فضای داخلی مساجد با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی و منطق فازی» می‌باشد که با راهنمایی دکتر مهدی حجت و دکتر محمدرضا چناقلو، در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

** نویسنده مسئول مکاتبات: E-mail: mrchenaghlu@sut.ac.ir

مقدمه

انتخاب شده است. با این مقدمه، برای تدقیق مساله اصلی تحقیق که در بالا به آن اشاره شد دو سوال عمده مطرح می‌شود:

سوال اول: آیا بین هماهنگی و روحانیت فضای داخلی مسجد ارتباطی وجود دارد؟

سوال دوم: هماهنگی چگونه در ایجاد کیفیت روحانی فضای داخلی مسجد نقش ایفا می‌کند؟

توجه به این نکته ظریف ضروری است که کیفیت روحانی فضای داخلی مسجد به وسیله مولفه‌های سازنده عناصر آن به وجود می‌آید، از طرفی زیبایی نیز دارای ملاک‌هایی است که برهمکنش آن‌ها، کلیت زیبایی را در ذهن متجلی می‌نماید که خود این ملاک‌ها در برهم‌کنش مولفه‌های سازنده عناصر فضای داخلی مسجد تاثیرگذار است، از این رو در پاسخ به سوالات بالا دو فرضیه مطرح می‌شود: فرضیه اول: بین هماهنگی و روحانیت فضای داخلی مسجد ارتباطی معنی دار وجود دارد.

فرضیه دوم: هماهنگی با تاثیرگذاری بر تک تک و همچنین با تاثیرگذاری بر تعامل بین مولفه‌های عناصر فضا، بر روحانیت فضای داخلی مسجد اثربخش است.

بدین منظور شناخت مقوله زیبایی و همچنین هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های آن، در بستر فکری فلسفه اسلامی از یک طرف و شناخت مولفه‌های سازنده عناصر فضای داخلی که کیفیت فضا را به وجود می‌آورند از طرف دیگر و تاثیر و تاثر این دو مقوله بر هم، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد که در ادامه در چهارچوب نظری به آن می‌پردازیم.

۲- چهارچوب نظری

۲-۱- تعریف زیبایی و ملاک‌های زیبایی از منظر

فلسفه اسلامی

چیستی زیبایی از زمان سقراط تا به امروز یکی از مسائل دشوار فلسفی بشمار آمده است. دانشمندان مسلمان نیز در برخی مباحث فلسفی و کلامی پیرامون «چیستی، اقسام و

انتقال روح یک فضا و به کارگیری آن در معماری امروز مستلزم درک صحیح و شناخت بستر فکری هر اثر شاخص و معیارهای والای آن است. بینش اسلام به انسان، به عنوان موجودی دارای ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی، معنوی و مادی و ... بینشی است واقع‌گرایانه، هنر اسلامی هم باید انسان را در تمام این ابعاد ببیند و بشناسد، نه در یک بعد خاص. (محدثی ۱۳۸۶، ۸۶) «بنابراین هر اثر هنری که حقایق درون ما را «آن چنان که هستند» و موجودیت درونی ما را «آن چنان که باید باشند» بهتر به معرض نمایش و تمثیل در آورد، اصیل‌تر و پایدارتر و سازنده‌تر خواهد بود» (علامه جعفری ۱۳۸۸، ۲۳۵). نمونه ای از این آثار، مساجد گذشته کشورمان است که به عنوان عصاره معماری اسلامی دربردارنده معانی و مفاهیم والایی است که از دین اسلام نشأت گرفته، بنابراین فضای داخلی مساجد که پوششی برای روح اوج گرفته عبادت کننده به‌شمار می‌روند، بایستی مفاهیم مذکور را در وجه متعالی خود به منصفه ظهور رسانده و کیفیات فضایی مورد نیاز مخاطبان را پاسخگو باشند. به بیان ساده تر، فضای داخلی مسجد (به عنوان یک بنای معماری اسلامی) باید به کمک آن مفاهیم والای دینی، کیفیاتی از فضا را متبلور سازد که آن کیفیات، انسان را در جهت هدف غایی آن بنا که همان عبادت کردن است، سوق دهد؛ کیفیاتی همچون روحانیت فضا، آرامش خاطر، سکون و ... از طرفی یکی از آن مفاهیمی که در دین ما به آن توجه خاصی شده و جزو اسماء الهی نیز هست، مفهوم حسن و جمال یا همان زیبایی است که از مفاهیم مهم معماری نیز به شمار می‌رود؛ با توجه به این دو مقوله و ارتباط آنها با هم، در این پژوهش سعی شده «چگونگی تاثیر زیبایی بر کیفیت فضای داخلی مسجد بررسی و تبیین شود» ولی چون هر دو مقوله زیبایی و کیفیت فضای داخلی مسجد مفاهیمی با دامنه وسیع و گسترده هستند برای دقیق‌تر و محدودتر شدن دامنه پژوهش از میان ملاک‌های زیبایی از منظر فلسفه اسلامی، ملاک هماهنگی و از میان کیفیات فضای داخلی مسجد، روحانیت فضا برای بررسی

نوعاً به دلیل همین ملاک‌ها «زیبا» به حساب می‌آید و به انسان لذت روحی و معنوی می‌بخشد. دقت در طبیعت در رنگ یک شکوفه، نقش و نگار بالهای پروانه، رنگ‌های پرتاووس و ... قابل مشاهده است. از هماهنگی شگفت انگیز و بدیعی که ما در منظومه شمسی، شب و روز، جزر و مد دریا و ... می‌بینیم لذت می‌بریم و این هم نکته‌ای در جهت زیبایی است. احساس توازن در یک چیز، سبب کشش انسان به سوی آن می‌گردد و دیده را جلب می‌نماید. از طرفی پیوستگی اجزای یک مجموعه به یکدیگر نوعی زیبایی می‌آفریند و این بیان‌گر ملاک ترابط در جهت زیبا جلوه نمودن است. از بعدی دیگر، وقار و حرکت تدریجی و آرام و سنگین زیبایی می‌آفریند و عدم طمأنینه سبب نازیبایی است. بنابراین می‌توان گفت ملاک‌های تشکیل دهنده زیبایی همچون ریسمانی نامرئی هستند که وحدت روابط صوری در مدرکات انسان را بوجود می‌آورند که این وحدت همان نمودی است نگارین که روی کمال کشیده شده است. (محدثی ۱۳۸۶، ۲۲ - ۲۶) (جدول ۱). بنابراین ملاک‌های زیبایی در فضای قدسی‌ای همچون طبیعت به مانند نمودی شفاف، عامل وحدت صور مادی هستند که بر روی آنچه که باید باشد (کمال خود) کشیده شده فلذا «در دیدگاه جامع‌تر نسبت به مقوله زیبایی‌شناسی، در رسیدن به کمال مطلوب، داشتن حس وحدت، رشد ذهنی و داشتن ریشه‌های فطری معنوی و تجمیع و انتقال آن به چارچوب و قالبی مادی، و سپس ادراک آن از طریق داده‌های حسی است» (آیوایان ۱۳۸۱، ۶۶). به عبارتی دیگر به کمک صورت‌های مادی و نیل آنها به وحدت و کمال مطلوب می‌توان زیبایی را آشکار ساخت.

با توجه به توضیحات فوق و گستردگی، پیچیدگی و تعدد ملاک‌های زیبایی از منظر فلسفه اسلامی و برای محدود کردن دامنه تحقیق از بین این ملاک‌ها، هماهنگی^۲ به عنوان یکی از ملاک‌هایی که عامل ایجاد وحدت صور مادی و به تبع آن زیبایی است، انتخاب شده است.

احکام زیبایی «سخن گفته‌اند. فیلسوفانی همچون فارابی، ابن سینا، غزالی و سهروردی جمال و زیبایی را براساس «کمال» مفهوم‌سازی نموده‌اند که تجمیع این نظریات را می‌توان در دیدگاه علامه جعفری یافت. وی بیان می‌دارد که «زیبایی نمودی است نگارین و شفاف که بر روی کمال کشیده شده است و کمال عبارت است از قرار گرفتن یک موضوع در مجرای بایستگی‌ها و شایستگی‌های مربوط به خود، البته در غیر مواردی که موجود زیبا دویعدی باشد، مانند انسان که ممکن است با داشتن صورت زیبا، وقیح‌ترین و زشت‌ترین درون را دارا بوده باشد» (علامه جعفری ۱۳۸۸، ۳۵۹) با توجه به این تعریف مفهومی علامه جعفری، به نظر می‌رسد نتوان ملاک‌های زیبایی را به این سادگی برشمرد ولی می‌توان از روی پدیده‌های زیبایی که خداوند خلق کرده است به دنبال آن‌ها گشت مانند طبیعت و جهان هستی، که از دید مذهب و در زبان و بیان قرآن، زیباست. (محدثی ۱۳۸۶، ۳۳) و همچنین «وسیع‌ترین، عام‌ترین و بخشنده‌ترین فضای قدسی، فضای طبیعت مخلوق خداوندی است که با تجلی حق بودنش، بیشترین قداست را عرضه می‌نماید» (رهبرنیا، رهنورد ۱۳۸۵). بنابراین برای مشخص نمودن ملاک‌های تشکیل دهنده زیبایی می‌توان به جستجوی آنها در طبیعت که یک فضای قدسی است، پرداخت و این ملاک‌ها را برای ایجاد قداست و روحانیت در فضاهای معماری به کار بست.

زیبایی را با اینکه نمی‌توان در چهارچوبی محدود کرد و در قاعده‌ای گنجانید، ولی با این حال می‌توان برخی از ملاک‌های ذهن را در درک زیبایی برشمرد و «نظام» موجود مذکور در متن هستی را مشخص کرد. استاد جواد محدثی^۱ بر اساس کتاب «منهج الفن الاسلامی» محمد قطب ملاک‌های زیبایی را دقت، هماهنگی، توازن، ترابط، تقارن، حرکت آرام و سنگین و ... معرفی می‌نماید؛ به عبارتی در تحلیل زیبایی، برخی ملاک‌های کلی تشکیل دهنده «نظام» و «زیبایی نظام» تحت عنوان «ملاک‌های جمال» معرفی می‌شوند و یک چیز

جدول ۱: ملاک‌های زیبایی از منظر فلسفه اسلامی با اقتباس از (محدثی ۱۳۸۶)

ملاک‌های زیبایی از منظر فلسفه اسلامی					
دقت	هماهنگی	توازن	ترابط	تقارن	حرکت آرام و سنگین

۲-۲- عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی و مولفه‌های آن

«معماری تنها هنری است که از ماده به جوهر - و برعکس - در طیران است» (آیوایان ۱۳۸۱، ۶۶). به عبارتی معماری حرکتی است از ماده (کالبد معماری) به جوهر (همان وجود که توسط مفاهیم و معانی شناخته می‌شود). فلذا هر مفهومی توسط عناصر سازنده کالبد معماری بوجود آمده و انتقال می‌یابد. «حتی یک عنصر تنها، قادر است از طریق فرم، اندازه و شکل خود، فضایی را تحت الشعاع قرار داده و حوزه فضایی اطرافش را نظم ببخشد» (چینگ ۱۳۷۸، ۲۸). همچنین عناصر تعریف‌کننده فضا می‌توانند دارای شخصیت‌های مختلف باشد. (گروتز ۱۳۷۵، ۲۳۹) منظور از عناصر تعریف‌کننده فضا، همان عناصری هستند که محدودکننده‌های فضای هستی به شمار می‌روند؛ که به طور کلی می‌توان در سه عنصر کف، دیوار و سقف خلاصه نمود. «این عناصر به ساختمان شکل داده؛ حریم بخشی از فضای نامحدود را معین کرده و در عین حال، طرحی از فضاهای داخلی ساختمان ارائه می‌دهند» (چینگ ۱۳۷۸، ۱۵۶).

عناصر تعریف‌کننده فضا دارای یک سری کمیت‌هایی هستند که تعامل بین آنها کیفیت‌های فضایی را بوجود می‌آورند؛ چرا که تغییر در کیفیت فضا است که نمود فضا را در ذهن ما تغییر می‌دهد و درک ما را از آن فضا بالا می‌برد. به همین دلیل است که چارلز مور «کیفیت فضا را تابع عناصر متشکله آن می‌داند» (زرکش ۱۳۸۱، ۱۹) عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی دارای ویژگی‌هایی هستند که با تغییر این ویژگی‌ها در هم‌نشستی با هم یک خصوصیت اساسی برای آن کالبد به وجود می‌آورند، که به کیفیت فضایی آن تبدیل می‌شود. برای مثال از کنار هم قرار دادن دیوار طویل و ستون ظریف و سقف بلند و کف صیقلی یک کیفیت فضایی ایجاد می‌شود و برعکس دیوار عریض، ستون ضخیم و سقف کوتاه و کف زبر یک کیفیت فضایی متفاوتی را بوجود می‌آورد. به عبارتی باید مؤلفه‌هایی را پیدا کرد که ویژگی‌های عناصر

تعریف‌کننده فضای داخلی را تغییر می‌دهند و به تبع آن کیفیت فضایی حاصل از آن عناصر عوض می‌شود. در اصل این مؤلفه‌ها کمیت‌های عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی را تغییر داده و تغییر در کمیت باعث تغییر در کیفیت فضا می‌شود. برای مثال: دیوار یک عنصر سازنده فضای داخلی است یکی از ویژگی‌های آن می‌تواند بلندی ارتفاع آن باشد، مؤلفه‌هایی که بر این ویژگی دیوار تأثیر می‌گذارند نسبت بین اضلاع آن و نحوه قرارگیری در مقابل نور خورشید، بافت دیوار و... می‌باشند که با تغییر این مؤلفه‌ها ویژگی بلندی دیوار تغییر می‌یابد و به تبع تغییر این ویژگی کیفیتی که دیوار بلند بر فضا القاء می‌کند، عوض خواهد شد. بنابراین مشخصاتی که عناصر سازنده کالبد معماری را تعریف می‌نمایند، درخور شناخت بوده و خصوصیات عنصر (ماده) را تعریف می‌نمایند. مؤلفه‌های مذکور در قالب رنگ، بافت، جنس، شکل و اندازه تعریف می‌شوند و عامل خارجی نور، ماهیت مؤلفه‌ها را نمایان می‌کند (جدول ۲).

برای شناخت چگونگی تأثیرگذاری عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی (دیوار، سقف و کف) بر کیفیت آن، باید به بررسی تأثیر و تأثر مؤلفه‌های سازنده آن عناصر که عبارتند از: رنگ، بافت، جنس، شکل و اندازه توجه نمود چراکه نه تنها تک تک این مؤلفه‌ها در ایجاد کیفیت فضای داخلی تأثیرگذارند بلکه تعامل بین آنها نیز عاملی مهم در ایجاد کیفیت فضای داخلی محسوب می‌شود.

۲-۳- تأثیر ملاک‌های زیبایی بر کیفیت فضای داخلی مسجد

برای بررسی تأثیر مقوله زیبایی بر معماری در بستر فکری فلسفه اسلامی و در ادامه آن بررسی تأثیر هاهنگی بر کیفیت روحانی فضای داخلی مسجد، توجه به وجود ریسمانی نامرئی به اسم وحدت که هر دو را به حق تعالی و بروز صفاتش سوق می‌دهد، امری ضروری است. هنر اسلامی نتیجه تجلی وحدت در ساحت کثرت است و تبلور روح و فرم دین اسلام

جدول ۲: مؤلفه‌های سازنده عناصر فضای داخلی

مؤلفه‌های سازنده عناصر فضای داخلی				
رنگ	بافت	جنس	شکل	اندازه

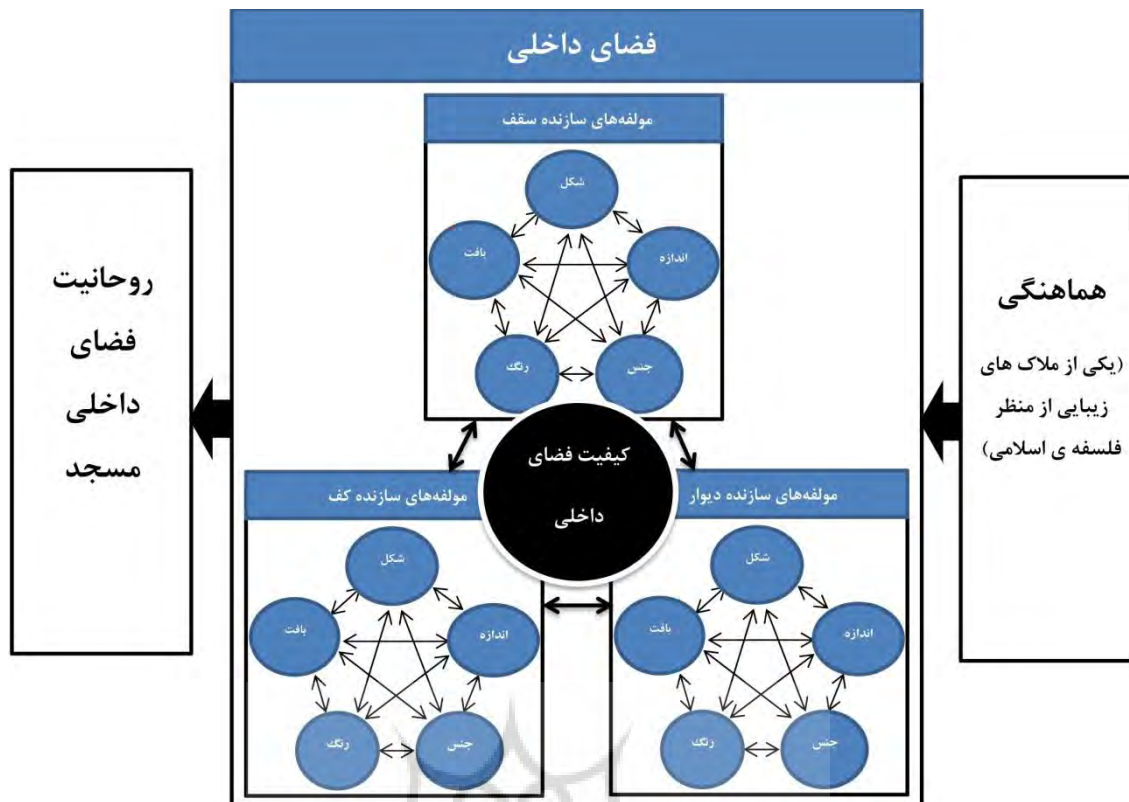
تعامل بین مؤلفه‌های عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی در جهت نیل به وحدت صورت و معنا نقش مهمی ایفا می‌کنند. بنابراین در مطالعه تعامل بین عناصر تعریف‌کننده فضا و تاثیر ملاک‌های زیبایی بر آن، باید به وجود اصل وحدت و سوق این تعامل به کمال مطلق و بروز صفات الهی در جهت ایجاد فضای روحانی توجه بیشتری نمود. از طرفی بنا بر ماهیت اثر معماری، نمی‌توان اصول زیبایی‌شناسی را چون ضوابط و قواعدی تلقی کرد که بر آن اساس بتوان اثر مشخصی را خلق نمود (آیوایان ۱۳۸۱، ۶۶)، بلکه تنها می‌توان اثرات آن را بر کیفیت فضاهای معماری تحلیل و بررسی کرد. از این جهت برای بررسی رابطه زیبایی و معماری در ایجاد کیفیت روحانی فضا، می‌توان از نمونه‌های مساجد موفق گذشته کمک گرفت. ولی باید به این نکته ظریف توجه داشت که هر جزئی در تشکیل هیأت موزون کل خود باید زیبا باشد و هر کلی در کلیت خود بر زیبایی اجزاء متشکله خود بیافزاید. به عبارتی در ساخت بنای مسجد باید هر عنصر تعریف‌کننده فضا به نوبه خود ملاک‌های زیبایی را دارا باشد و تعامل بین مؤلفه‌های سازنده یک عنصر (مانند دیوار) با عنصری دیگر (مانند سقف) به زیبایی مراتب بالاتر نائل آید. این امر زمانی حاصل می‌گردد که هر عنصر تعریف‌کننده فضا پاسخ متقابل مؤلفه‌های عنصری دیگر از آن فضا را در شأن‌اش بدهد، به عبارتی حرکتی رفت و برگشتی از جزء به کل و برعکس در تعامل بین کل مؤلفه‌های عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی وجود دارد. اگرچه درک کل، نیازی به درک تک‌تک اجزا ندارد و برآیند کیفیت ایجاد شده از اجزاء است که کیفیت کل را بوجود می‌آورد؛ اما شناخت چگونگی ارتباط اجزاء در جهت نیل به هدف کلی آن فضا ضروری است. بنابراین چنین می‌توان نتیجه گرفت که در بررسی چگونگی تاثیر گذاری هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی بر روحانیت فضای داخلی مسجد، هم باید تاثیر آن بر تک‌تک مؤلفه‌های عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی و هم بر تعامل بین آن‌ها توجه نمود. برآیند این تاثیر و تاثیر چگونگی کیفیت فضای داخلی مسجد را آشکار می‌سازد.

۳- روش پژوهش

این مطالعه از نوع تحقیق کمی بوده و روش مورد استفاده

است که به کسوت کمالی درآمده که به این جهان زوال و مرگ تعلق ندارد و بایستی به این نکته توجه نمود که پایه‌های مفاهیمی همچون زیبایی و معماری اسلامی، در این زمینه مستتر است. از این رو می‌توان گفت که وحدت در ارتباط نزدیک با بیان هنری و به تبع آن با معماری و زیبایی است. معماری هنری است برای نظم بخشیدن به فضا و معماری قدسی هم به مدد تفکیک‌های مختلف، هدف اصلی خود را که قرار دادن انسان در محضر پروردگار از طریق تقدس بخشیدن و نظم دادن به فضایی است که می‌سازد، تحقق می‌بخشد. توجه به جنبه‌های نمادین و رمزی مؤلفه‌های سازنده این فضاها برای درک مفهوم روحانی این معماری ضروری است. "چون به مدد آنهاست که وحدت در جهان فرم‌های معماری نفوذ می‌کند تا بر کیفیت قدسی بیافزاید." (نصر ۱۳۸۶، ۱۲۰، ۱۵۱ و ۱۵۲) ریشه هنر قدسی در "وحدت وجود" است، وحدت بین وجود انسان و خدایش، وحدتی بین کائنات، ولی باید به این نکته توجه کرد که اولین گام برای رسیدن به وحدت وجود ایجاد وحدت بین ماهیت‌هاست. از این رو اگر در معماری اسلامی وجود معماری را فضا تعریف کنیم، ماهیت معماری همان کالبد بنا خواهد بود که آن هم از عناصری تشکیل گردیده که فضای داخلی را تعریف می‌کنند (مانند: دیوار، سقف و کف) و مؤلفه‌هایی نیز این عناصر را می‌سازند. تصویر (۱)

لذا بایستی بین مؤلفه‌های سازنده هر عنصر تشکیل دهنده کالبد، وحدتی حاکم باشد در جهت پاسخ‌گویی به کیفیت مورد نیاز فضای قدسی، (مانند کیفیت روحانی فضا) از طرفی تعامل بین مؤلفه‌های یک عنصر سازنده کالبد مانند دیوار رو به قبله با عنصری دیگر از آن کالبد مانند سقف مسجد، نیز بر کیفیت فضا اثربخش است. بنابراین تعامل بین مؤلفه‌های عناصر تعریف‌کننده فضا نیز باید نشان وحدتی باشد که هدف غایی بنای معماری اسلامی همچون مسجد است. (وحدت در کثرت و کثرت در وحدت) "هماهنگی بین اجزاء از طرفی و اجزاء با کل از طرف دیگر باعث می‌گردد که ساختمان چون پیکری واحد و کامل به نظر آید." (ملایی و بمانیان ۱۳۸۷، ۲۶) در این میان ملاک‌های زیبایی به عنوان ریسمان نامرئی که هماهنگی بین اجزاء را در کل یک ساختمان به وجود می‌آورد نقش ایفا می‌کنند. به عبارت کامل‌تر ملاک‌های زیبایی در



تصویر ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش همبستگی است. در روش همبستگی رابطه تک‌تک متغیرهای مستقل با متغیر وابسته بیان می‌شود. استفاده از این روش در پژوهش حاضر باعث می‌شود که بتوان با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده درجات همبستگی و روابط بین متغیرها را مورد بررسی قرار داد. با توجه به چهارچوب نظری، کیفیت فضای داخلی وابسته به مولفه‌های عناصر سازنده آن است که ملاک‌های زیبایی برتعامل بین آن‌ها در جهت رسیدن به وحدت کالبد معماری مسجد تاثیرگذار است. از طرفی هر مولفه بایستی، تمامی ملاک‌های زیبایی را پاسخگو باشد تا بتواند در نقش خود به زیبایی کلیت فضا خللی وارد ننماید. بنابراین کیفیت روحانی فضای داخلی مسجد به عنوان متغیر وابسته و هماهنگی از بین ملاک‌های زیبایی^۲ به عنوان متغیرهای مستقل تعریف شده‌اند که با تاثیرگذاری، هم بر تک‌تک مولفه‌های عناصر سازنده فضا، مدل (۱) و تصویر (۲) و هم بر تعامل بین آن‌ها، مدل (۲) و تصویر (۴) چگونگی کیفیت روحانی فضای داخلی مسجد را تعریف می‌کند. از این جهت مولفه‌های عناصر سازنده فضا داخلی همچون بافت، جنس، رنگ، شکل و اندازه به عنوان پارامترهای میانجی

انتخاب شده و مفهومی واسطه مابین متغیر مستقل و متغیر وابسته نقش ایفا می‌کنند. بدین منظور مسجد شیخ لطف‌الله^۳ که مورد توجه و آشنا برای جامعه معماران کشور می‌باشد و جزو یکی از بناهای شاخص در معماری اسلامی هم از لحاظ زیبایی و هم از لحاظ کیفیت روحانی فضای داخلی به حساب می‌آید به عنوان نمونه موردی انتخاب شده و با استفاده از پرسش‌نامه‌های هدفمند، متغیرهای مطرح شده در چهارچوب نظری پژوهش مورد آزمون قرار گرفته است. به منظور افزایش روایی و اعتبار پرسش‌نامه از روش اعتبار صوری سود برده شده، بدین صورت که شاخص‌های طراحی شده برای متغیرها در اختیار اساتید متخصص قرار گرفته و نظر هر کدام در مورد تک‌تک سوالات بررسی و اعمال گردیده است. نهایتاً پرسش‌نامه پس از تایید بین ۴۰ نفر از متخصصین و اساتید دانشگاه‌های شهر تبریز^۴ توزیع و تکمیل گردیده است. با توجه به فرضیه تحقیق پرسش‌نامه از دو بخش تشکیل شده، در بخش اول سوالات مستقیم (پانزده سوال) به منظور بررسی تاثیر ملاک هماهنگی در تک‌تک مولفه‌های یک عنصر فضا

جدول ۳: ضریب پایایی متغیر

متغیر	ضریب پایایی (آلفا)
جنس	۰/۶۱
رنگ	۰/۸۶
شکل	۰/۶۴
اندازه	۰/۶۰
بافت	۰/۷۸

کمک گرفته شده و تحلیل یافته‌ها به روش کیفی صورت گرفته است.

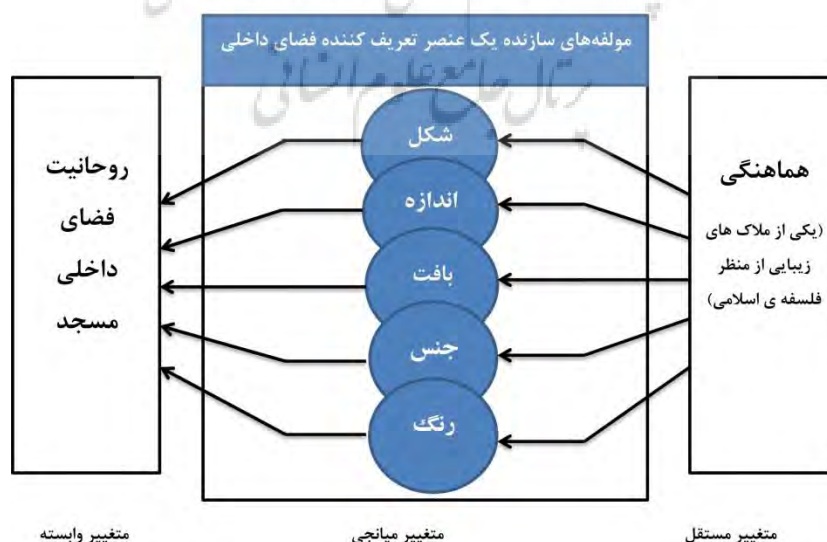
۴- یافته‌ها و تحلیل آن‌ها

برای بررسی میزان تاثیر متغیرها بر هم قبل از آنالیز داده‌ها، ابتدا در نرم افزار SPSS آزمون پایایی آنها انجام گرفته و نتیجه در جدول (۳) ارائه شده است که همگی بالای ۰/۶۰ می‌باشد که نشان از پایایی سوالات است.

در پرسش نامه سوالات با توجه به فرضیه تحقیق در دو بخش مجزا مورد پرسش قرار گرفته که به تفکیک، به نتایج و تحلیل آن اشاره می‌شود:

۴-۱- بخش اول سوالاتی که میزان هماهنگی در تک‌تک مولفه‌های دیوار رو به قبله مسجد بر روحانیت آن را بررسی می‌کند (تصویر ۲)

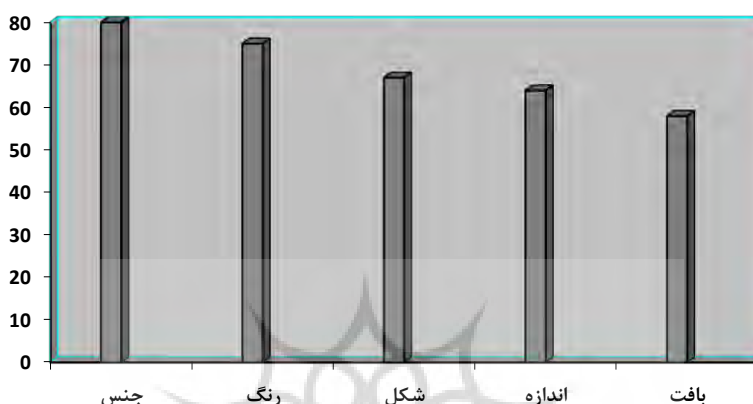
(یعنی دیوار رو به قبله) بر روحانیت مطرح شده و در بخش دوم یک سری سوالات غیر مستقیم (بیست سوال) جهت بررسی تعامل بین مولفه‌های عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی مسجد شیخ لطف‌الله بر روحانیت آن بیان شده است. در ضمن برای تداعی بهتر حس فضایی، به همراه پرسش‌نامه‌ها تصاویر فضای داخلی مسجد با کیفیت و وضوح عالی در اختیار متخصصین قرار داده شده است. جواب‌های سوالات از یک گویه پنج گزینه ای تشکیل شده که از بسیار مطلوب شروع تا بسیار نامطلوب پایان می‌یابد. از میان شرکت‌کنندگان ۴۷/۴ درصد پاسخ‌گویان مردان و ۵۲/۶ درصد پاسخ‌گویان را زنان تشکیل می‌دهند و توزیع پراکندگی مربوط به سن پاسخ‌گویان حداقل ۳۲ و حداکثر ۵۰ سال می‌باشد که با میانگین ۴۰/۶۴ و انحراف استاندارد ۶/۳۰ می‌باشد و در نهایت برای تجزیه نتایج کمی از برنامه SPSS



تصویر ۲: تاثیر هماهنگی در تک‌تک مولفه‌های سازنده یک عنصر تعریف‌کننده فضای داخلی بر روحانیت آن

جدول ۴: بررسی تاثیر هماهنگی تک تک مولفه‌ها بر روحانیت فضا

آیتم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطا و استاندارد
جنس	۴۰	۷۹/۶۹	۱۹/۳۴۲	۳/۰۵۸
رنگ	۴۰	۷۵/۵۰	۱۸/۷۷۰	۲/۹۶۸
شکل	۴۰	۶۷/۰۵	۱۵/۵۶۹	۲/۴۶۲
اندازه	۴۰	۶۶/۳۸	۱۴/۷۱۹	۲/۳۲۷
بافت	۴۰	۶۰/۶۳	۲۰/۷۱۴	۳/۲۷۵



تصویر ۳: میزان هماهنگی در تک تک مولفه‌های دیوار رو به قبله مسجد بر روحانیت فضای داخلی

با توجه به نمودار (۱) می‌توان چنین تحلیل کرد که میزان هماهنگی موجود در درجه اول بین جنس و در درجه دوم بین رنگ مولفه‌های دیوار رو به قبله مسجد، بیشترین تاثیر را بر روحانیت مسجد گذاشته است. این بدان معنی است که هرچه قدر جنس و رنگ مصالح استفاده شده در ساخت دیوار رو به قبله مسجد با هم هماهنگ‌تر باشند کیفیت روحانی مسجد بالا خواهد بود. همچنین هماهنگی بین بافت آن کمترین تاثیر را بر روحانیت مسجد می‌گذارد.

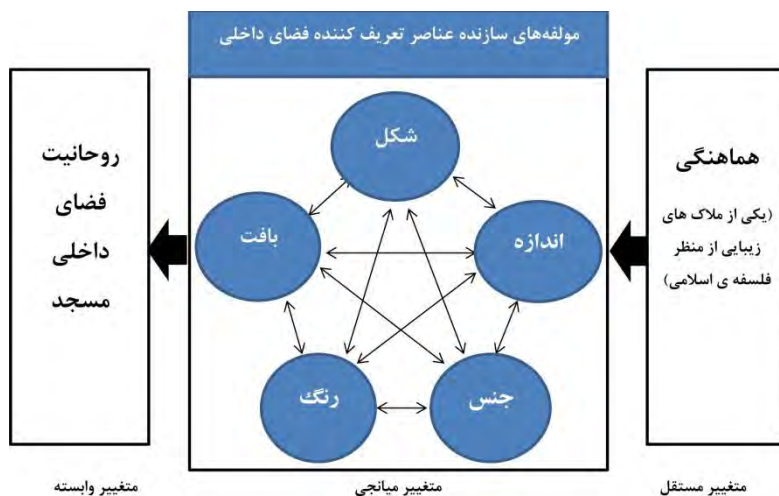
به طوری که بین روحانیت فضای داخلی مسجد و جنس مواد به کار رفته و همچنین بین روحانیت فضای داخلی مسجد و رنگ مواد استفاده شده ارتباط معنی داری وجود دارد^۴ (جدول ۵).

در این بخش از سوالات برای بررسی تاثیر هماهنگی بر مولفه‌ها از پنج مولفه سازنده دیوار رو به قبله، هر کدام مستقلاً با ثابت فرض کردن چهار مولفه دیگر مورد سوال قرار گرفته و تاثیر تک تک آن‌ها بر روحانیت فضا سنجیده شده است که با توجه به این دسته سوالات نتیجه در جدول (۴) آمده است.

با توجه به جدول فوق مشخص می‌گردد که میانگین مولفه جنس دیوار در بین مولفه‌های دیگر از بیشترین مقدار برخوردار است (میانگین ۷۹/۶۹) و پس از آن مولفه رنگ دیوار با میانگین ۷۵/۵۰ در رتبه دوم عوامل تاثیرگذار بر میزان روحانیت فضا و هماهنگی دیوار رو به قبله مسجد قرار دارد که خلاصه آن در تصویر (۳) آمده است.

جدول ۵: سطح معنی داری بین روحانیت فضای داخلی مسجد و میزان جنس و رنگ مواد

آیتم	مقدار	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین
میزان جنس	۹/۷۰۸	۳۹	۰/۰۰۰	۲۹/۶۸۸
میزان رنگ	۸/۵۹۲	۳۹	۰/۰۰۰	۲۵/۵۰۰



تصویر ۴: تاثیر هماهنگی در تعامل بین مولفه‌های سازنده عناصر تعریف کننده فضای داخلی بر روحانیت آن

به عبارتی ارتباط مستقیمی بین هماهنگی جنس و هماهنگی رنگ دیوار رو به قبله مسجد با روحانیت فضای داخلی آن برقرار است، پس می توان چنین نتیجه گرفت که بین هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی و کیفیت روحانی مسجد ارتباط معنی داری وجود دارد و زیبایی در کیفیت فضای داخلی با تاثیرگذاری بر مولفه‌های عناصر فضا نقش مهمی ایفا می کند.

بخش دوم شامل سوالاتی است که به بررسی میزان تاثیر هماهنگی در تعامل بین مولفه‌های عناصر تعریف کننده فضای داخلی بر روحانیت می پردازد. در تصویر (۴) ارتباط

بین مولفه‌ها با متغیرهای پژوهش مشخص شده است. در دنیای واقعی رابطه بین پدیده‌ها (متغیرها) بدون در نظر گرفتن سایر متغیرها امکان پذیر نیست بلکه معمولاً بین متغیرهای میانجی علاوه بر تاثیر همزمان بر متغیر وابسته، بین خود آنها نیز تعامل (تاثیر متقابل) وجود دارد؛ بنابراین در بررسی همزمان متغیرهای مستقل و میانجی بر میزان روحانیت فضای داخلی در رگرسیون^۵ به روش استیپ وایز^۶ در مجموع مولفه اندازه با بیشترین درصد یعنی ۲۶٪ و مولفه رنگ بعد از آن بیشترین تاثیر را بر روحانیت فضای داخلی گذاشته‌اند (جداول ۶ و ۷).

به عبارتی ارتباط مستقیمی بین هماهنگی جنس و هماهنگی رنگ دیوار رو به قبله مسجد با روحانیت فضای داخلی آن برقرار است، پس می توان چنین نتیجه گرفت که بین هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی و کیفیت روحانی مسجد ارتباط معنی داری وجود دارد و زیبایی در کیفیت فضای داخلی با تاثیرگذاری بر مولفه‌های عناصر فضا نقش مهمی ایفا می کند.

بخش دوم شامل سوالاتی است که به بررسی میزان تاثیر هماهنگی در تعامل بین مولفه‌های عناصر تعریف کننده فضای داخلی بر روحانیت می پردازد. در تصویر (۴) ارتباط

جدول ۶: ضریب همبستگی دو مولفه اندازه و رنگ

متغیر	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	میانگین خطا و استاندارد	دوربین واتسن
اندازه	۰/۹۲۷	۰/۸۶۰	۰/۸۳۴	۴/۲۰۲	۲/۱۴۴
رنگ	۰/۸۱۸	۰/۶۷۰	۰/۶۴۲	۶/۱۷۲	۲/۳۴۴

جدول ۷: بررسی همزمان متغیرهای مستقل و میانجی بر میزان روحانیت فضای داخلی

متغیر	مجموع ضرایب	درجه آزادی	ضریب میانگین	F	سطح معنی داری
Regression	۱۱۸۹/۷۲۶	۲	۵۹۴/۸۶۳	۳۳/۶۹۴	۰/۰۰۰
Residual	۱۹۴/۲۰۳	۱۳	۱۷/۶۵۵		
Total	۱۳۸۳/۹۲۹	۱۵			
Regression	۹۲۶/۸۵۲	۱	۹۲۶/۸۵۲	۲۴/۳۳۳	۰/۰۰۰
Residual	۴۵۷/۰۷۶	۱۴	۳۸/۰۹۰		
Total	۱۳۸۳/۹۲۹	۱۵			

با توجه به یافته‌های فوق چنین می‌توان تحلیل کرد که در بررسی تاثیر هماهنگی بر تعامل بین مولفه‌های یک عنصر با عنصری دیگر اندازه بیشترین اثر را بر روحانیت فضای داخلی گذاشته و بعد از آن رنگ غالب عناصر تعریف‌کننده فضا بر روحانیت آن اثر بخش بوده است. این بدان معنی است که هماهنگی بین مولفه‌های یک عنصر در تعامل با مولفه‌های عنصری دیگر با تاثیرگذاری بر روی اندازه‌ها و رنگ‌ها بیشترین تاثیر را بر روحانیت فضا می‌گذارد.

با جمع‌بندی هر دو بخش تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت که وقتی هماهنگی یک مولفه در یک عنصر تعریف‌کننده فضا، کیفیت روحانی مسجد را بالا می‌برد هیچ تضمینی وجود ندارد که هماهنگی بین تعامل همان مولفه از عناصری دیگر از فضا، کیفیت روحانی همان مسجد را بالا ببرد! برای مثال در نمونه مورد انتخابی هماهنگی جنس دیوار رو به قبله به تنهایی در بین مولفه‌های دیگر بیشترین تاثیر را بر روحانیت فضای داخلی مسجد گذاشته ولی در بررسی هماهنگی بین تعامل جنس دیوارها و جنس سقف و جنس کف، بر هم، حاصل برآیند این تعامل دیگر رتبه اول در اثر بخشی به کیفیت فضای داخلی مسجد را ندارد و این بار هماهنگی بین اندازه‌های دیوارها و سقف و کف هست که بیشترین تاثیر را بر روحانیت فضا گذاشته است. این بدان معنی است که وجود هماهنگی بین مولفه‌های عناصر تعریف‌کننده فضا بر روحانیت آن تاثیر دارد ولی ارتباط

مولفه‌ها و تعامل آن‌ها بر هم و بر عناصر فضا است که کیفیت نهایی فضای داخلی را تعریف می‌کند. یعنی در تقابل بین مولفه‌ها، درک افراد از هماهنگی در جهت افزایش کیفیت روحانی مسجد متفاوت‌تر از درک آنها از تک تک مولفه‌هاست. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان چنین گفت که اولاً ارتباط مستقیم و معنی‌داری بین هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی و روحانیت فضای داخلی مسجد وجود دارد (اثبات فرضیه اول) به عبارت دیگر، بروز ملاک زیبایی در تعامل بین مولفه‌های عناصر تعریف‌کننده فضا نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. ثانیاً زمانی که عامل هماهنگی در تک تک مولفه‌های تعریف‌کننده فضای داخلی به صورت مستقل بر روحانیت آن مورد بررسی قرار گرفت، دو مولفه جنس و رنگ بیشترین تاثیرگذاری را بر میزان روحانیت فضا می‌گذارند ولی زمانی که میزان هماهنگی در تعامل بین مولفه‌های عناصر فضا را مورد بررسی قرار می‌گیرد، عامل اندازه و رنگ بیشترین تاثیرگذاری را دارد. این بدان معنی است که تک تک مولفه‌ها، کالبد بنا را بوجود نمی‌آورند بلکه ارتباط بین مولفه‌ها و تاثیر و تأثیرشان بر هم است که کالبد بنا و به تبع آن کیفیت فضایی آن کالبد را می‌سازند و وجود ملاک هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی نه تنها بر تک تک مولفه‌ها بلکه بر تعامل بین مولفه‌های سازنده فضای داخلی نیز تاثیرگذار بوده و هر کدام اثرات متفاوتی دارند. (اثبات فرضیه دوم)

نتیجه‌گیری

ملاک‌های زیبایی باشد (وحدتی در صورت و معنا). از طرفی هر جزئی در تشکیل هیأت موزون کل خود باید زیبا باشد و هر کلی در کلیت خود بر زیبایی اجزاء متشکله اش بیفزاید. به عبارتی در ساخت بنای مسجد باید ملاک‌های زیبایی هم بر تک تک مولفه‌ها و هم بر تعامل بین آن‌ها اثری در جهت بالا بردن کیفیت فضای داخلی مسجد بگذارد؛ این زمانی حاصل می‌شود که هر مولفه‌ای پاسخ متقابل مولفه‌های دیگر را در شأن‌اش بدهد یعنی حرکتی رفت و برگشتی از جزء به کل و برعکس. بنابراین برای بالا بردن کیفیت روحانی فضای داخلی مسجد نه تنها باید بر هماهنگی تک تک مولفه‌های سازنده آن توجه نمود بلکه باید تعامل بین آنها را نیز مدنظر قرار داد، پس

در بناهایی چون مساجد که از مصادیق هنر و معماری اسلامی هستند رابطه مفاهیمی چون زیبایی با مولفه‌های عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی آن تأثیری مستقیم دارند که آن نیز در ایجاد کیفیت روحانی فضای مساجد موثر است و تغییر در نوع رابطه و اثرگذاری مولفه‌ها بر هم، مفاهیم هنر قدسی را تقویت و یا تضعیف می‌نماید و به تبع آن نیل به یکی از اهداف غایی مسجد که همان ایجاد فضای روحانی است را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین برای ایجاد کیفیت روحانی در فضای داخلی مسجد باید به این نکته توجه کرد که مولفه‌های عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی مسجد باید با هم در تعاملی هم‌سو در جهت ایجاد وحدتی باشند که پاسخ‌گوی

یک کل، تنها و تنها حاصل برآیند تک‌تک مولفه‌های سازنده‌اش نیست. به عبارت دیگر نه تنها تک تک مولفه‌های یک عنصر (تعریف‌کننده فضا) نقش آن عنصر را در چگونگی اثربخشی بر کیفیت فضایی تعریف می‌کند بلکه تعامل بین کیفیت‌های به وجود آمده از تمامی عناصر هستند که کیفیت غالب فضای داخلی را تعریف می‌کند و ملاک‌های زیبایی با تاثیرگذاری بر آن در روحانیت فضای داخلی مساجد نقش ایفا می‌کند.

بنابراین استفاده از هر صورتی در هر کلیت، کیفیت فضایی مشابهی تداعی نخواهد نمود، چرا که نحوه اتصال مؤلفه‌های تعریف‌کننده عناصر سازنده فضا و ارتباط آنها با هم و تاثیر ملاک‌های زیبایی بر آن است که کیفیت فضای داخلی را تعریف می‌کند. فلذا توجه به کیفیت تک‌تک عناصر به معنای کنترل کیفیت فضای داخلی نیست. روحانیت فضای داخلی کیفیتی از فضا است که براساس تعامل بین مولفه‌های عناصر سازنده‌اش به وجود می‌آید و از طرفی ملاک‌های زیبایی نیز به نوبه خود با تاثیرگذاری بر کالبد معماری نقش مهمی بر کیفیت فضای روحانی ایفا می‌کند. از این رو هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی، همچون مفهومی است که در تعامل بین مولفه‌های عناصر فضای داخلی و به تبع آن بر کیفیت فضای روحانی تاثیر می‌گذارد و نقش بسزایی در بالا بردن کیفیت فضای روحانی ایفا می‌کند و این بدان معنی است که بروز صفات الهی همچون حسن (زیبایی) بر روحانیت فضا می‌افزاید.

می‌توان چنین نتیجه گرفت که تکرار به عینه یک موتیف کاشی‌کاری یک مسجد با ارزش تاریخی بدون توجه به مولفه‌های دیگر و تعامل آن‌ها با هم، حاکی از استفاده صحیح از آن در جهت بالا بردن کیفیت روحانی فضای داخلی مساجد تازه طراحی شده نمی‌باشد هر چند که تکرار به عینه آن موتیف تداعی حافظه تاریخی کرده و بی‌تاثیر نیست ولی نباید انتظار ایجاد همان حس فضایی را داشت که در آن مسجد تاریخی وجود داشته است.

با مثالی دیگر این مساله را چنین می‌توان تشریح کرد که در تذهیب‌های بکار رفته در تزئینات مساجد، هماهنگی شکل ریزریز کاشی‌ها در به وجود آوردن آن نقش، تأثیر داشته و کل تذهیب بر جزء جزء کاشی‌ها تأثیرگذار است (تعامل مولفه‌ها). اگرچه درک کل نیازی به درک تک‌تک اجزا ندارد و برآیند کیفیت ایجاد شده از اجزاء است که کیفیت کل را بوجود می‌آورد و هر اندازه که اجزاء تشکیل‌دهنده مجموعه‌ها کوچک‌تر و ظریف‌تر باشند، در ارتباط اولی با آن مجموعه‌ها، از دیدگاه ما ناپدیدتر خواهند بود (علامه جعفری ۱۳۸۸، ۲۵۰) ولی شناخت مسیر حرکتی هر کدام از اجزاء در جهت دریافت کل موثر است. تحت این شرایط است که برآیند تعامل بین مولفه‌ها با اثری متفاوت‌تر از تک تک مولفه‌ها بر کیفیت روحانی فضای داخلی مساجد تاثیر می‌گذارد.

بنابراین برداشت ما از اجزاء متفاوت‌تر از برداشت ما از کل واحد است و عناصر تعریف‌کننده فضای داخلی به عنوان

پی‌نوشت

- ۱- حجه‌الاسلام جواد محدثی، استاد حوزه که بالغ بر یکصد جلد کتاب تالیفی دارند در کتاب خود تحت عنوان «هنر دینی: واکاوی هنر در قلمرو مکتب» ملاک‌های زیبایی را از منظر فلسفه اسلامی مفصلاً تشریح داده‌اند.
- ۲- با توجه به مطالب اشاره شده در تعریف زیبایی و ملاک‌های زیبایی از منظر فلسفه اسلامی در بخش ۲-۱، چهارچوب نظری، به علت تعدد ملاک‌های زیبایی، برای انتخاب مهمترین ملاک تاثیرگذار بر روحانیت فضای داخلی مسجد، تحقیقی جداگانه صورت گرفت که در آن رابطه بین ملاک‌های زیبایی (متغیر مستقل) با روحانیت فضا (متغیر وابسته) از طریق پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفت تا بتوان تاثیرگذارترین ملاک زیبایی بر روحانیت فضای داخلی مسجد را شناسایی نمود. بر اساس نتیجه آن تاثیرگذارترین ملاک زیبایی بر کیفیت روحانی فضا، ملاک هماهنگی است که در جدول زیر اطلاعات مربوط به توزیع فراوانی آن بر روحانیت فضا نشان داده شده است.

فراوانی	درصد	درصد متغیر
۲۲	۵۶/۴	۵۶/۴

به طور مشخص در این تحقیق تعریف ما از هماهنگی عبارت است از «همخوانی قانونمند بین اجزا که به وحدتی منجر شود» (گروتز ۱۳۷۵، ۱۰۰).

۳- برای انتخاب مسجد شیخ لطف الله به عنوان نمونه موردی پژوهش دو سوال مستقیم پرسیده شده که بر اساس آن با آمار بسیار بالا با میانگین ۹۱/۲۵ پاسخ دهندگان میزان کیفیت روحانی فضای داخلی و زیبایی آن را بسیار مطلوب ارزیابی کرده‌اند. جدول ذیل

متغیر وابسته	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطا و استاندارد
میزان کیفیت روحانی فضای داخلی مسجد شیخ لطف‌الله	۴۰	۲۵.۹۱	۵۵۶.۱۵	۴۶۰.۲

۴- از بین متخصصین و اساتید دانشگاه‌های شهر تبریز فقط ۴۰ نفر از نزدیک نمونه موردی پژوهش را دیده بودند.
۵- هرچه قدر مقدار معنی داری کمتر از ۰/۰۵ باشد، به این معناست که بین دو متغیر اندازه‌گیری شده ارتباط معنی داری برقرار است.

Regression -۶

Stepwise -۷

فهرست منابع

- آبوازیان، سیمون. ۱۳۸۱. زیباشناسی و خاستگاه آن در نقد معماری. هنرهای زیبا (۱۲): ۶۴-۶۹.
- چینگ، فرانسیس دی کی. ۱۳۷۸. فرم، فضا، نظم، ترجمه: زهرا قراگزلو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رهبرنیا، زهرا و زهرا رهنورد. ۱۳۸۵. مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی. هنرهای زیبا (۲۶): ۱۰۱-۱۰۸.
- رهنورد، زهرا. ۱۳۷۸. حکمت هنر اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- زرکش، افسانه. ۱۳۸۱. رساله دکتری، همسازی فضا و سازه در معماری. تهران: دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
- علامه جعفری، محمدتقی. ۱۳۸۸. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- گروتز، یورگ کورت. ۱۳۷۵. زیبایی شناختی در معماری. ترجمه: دکتر جهان‌شاه پاکزاد، مهندس عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- محدثی، جواد. ۱۳۸۶. هنر دین؛ واکاوی هنر در قلمرو مکتب. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مددپور، محمد. ۱۳۹۰. تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ملایی، معصومه و محمدرضا بمائیان. ۱۳۷۸. بررسی سیر تحول زیباشناسی در تاریخ هنر و معماری. معماری و شهرسازی. ماهنامه شمس.
- مهابادی، حبیب. ۱۳۹۰. معماری اسلامی. تهران: نشر هدف سبز.
- موسوی‌نیا، میرهادی. ۱۳۸۳. فرق فلسفه و عرفان، خردنامه صدر (۳۷): ۷۱-۷۶.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۷۸. فلسفه اسلامی و خاستگاه‌های آن. ترجمه: ضیاء تاج‌الدین. نامه فرهنگ (۳۱): ۲۸-۳۹.
- نصر، طاهره. ۱۳۸۶. از هنر و هنر اسلامی. شیراز: نوید شیراز.
- نصیری، علی. ۱۳۷۶. درآمدی بر زیباشناسی از دیدگاه قرآن. اندیشه حوزه (۲ و ۳): ۳۳-۴۷.
- نیوتن، اریک. ۱۳۷۷. معنی زیبایی. ترجمه: مرزبان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

The Effect of Coordination as a Criterion of Aesthetics with Regard to Islamic Philosophy on the Spirituality of the Interior Space of Mosques

Hossein Karimzadeh Halimi¹, Mohamad Reza Chenaghlou^{2*}

1. Ph.D. Candidate in Islamic Architecture, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

2. Professor, Civil Engineering Faculty, Sahand University Of Technology, Tabriz, Iran.

(Received 6 Feb 2017, Accepted 22 Apr 2017)

The quality of interior space of each building should be amenable to the life type according to which its structure has been created. Mosques as distinctive structures of Islamic Architecture, observe this principle, as well. The main activity occurring in the mosques, i.e. praying, has not changed during the history and their aesthetic characteristics as a fundamental concept in Islamic Architecture have always been under attention in all stages. With this background, this paper tries to study how Aesthetics and the quality of interior space of mosques are related and how coordination as one of the aesthetic criteria with regard to Islamic philosophy affects the quality of interior space of mosques. It seems that the relationship between these two concepts should be considered both in parts and as a whole. So the main hypothesis of this study is that "coordination affects the spirituality of interior space of mosques by influencing the elements of space and the interaction that exists between these elements". Since the historical mosques are the most prominent instances of Islamic art and architecture, Sheikh Lotfollah mosque is considered in this study. In order to determine the extent to which coordination affects the spirituality of interior space, 40 specialists in architecture and Islamic architecture in Tabriz, who had previously visited Sheikh Lotfollah, participated in this study. The data gathering instrument was a questionnaire, consisting of two parts. In the first part, 15 direct questions were asked in order to examine the impacts of coordination

between the elements of space on the spirituality of the mosque, and in the second part, 20 indirect questions were asked to evaluate the interaction between the elements of interior space of Sheikh Lotfollah mosque. Moreover, some photos of interior space of Sheikh Lotfollah with high resolution and great quality were given to the participants along with the questionnaires. Then all the questionnaires were analyzed by the SPSS software and the results were discussed using qualitative methods. The results indicate that not only is there a significant relationship between coordination and the spirituality of the interior space of mosques, but also coordination significantly affects individual elements that create the spirituality of the interior space of mosques as well as the interaction that exists between these elements. It means that, individual elements cannot create the framework of a building by themselves, rather, the interaction between the elements and the effects they have on each other is essential in this regard.

Considering the coordination of each element of interior space, it can be claimed that the items of material and color have the most influence on the spirituality of the space and when the interaction between the elements and their coordination is being examined, proportion and color have the most impact on the spirituality of the space.

Keywords: Coordination, Aesthetics, Mosque, Interior Space, Spirituality.

*Corresponding Author. E-mail: mrchenaghlou@sut.ac.ir